

## بررسی رابطه سبک های دلبستگی با ابراز وجود در دانشجویان دانشگاههای کاشان

دکتر فریبرز صدیقی ارفعی

دانشیار روانشناسی دانشگاه کاشان (f.s.a@kashanu.ac.ir)

زکيه نجاریان

کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول (Najaryan8261@yahoo.com)

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت: مهر ۹۴

پذیرش: دی ۹۴

### چکیده

پژوهش‌های انجام شده درباره نظریه دلبستگی، بیان‌گر اهمیت آن در ابعاد متعددی از زندگی افراد می‌باشد. بر طبق این نظریه، کیفیت دلبستگی تبیین‌کننده تفاوت‌های فردی در تنظیم روابط بین‌فردی می‌باشد. با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با ابراز وجود در دانشجویان انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی و جامعه‌ی آماری، دانشجویان دانشگاه‌های کاشان در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ بودند که از این تعداد، ۴۰۰ نفر با شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازن و شاور (AAI) و ابراز وجود گمبریل-ریچی (AI) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از هر دو نوع آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون به روش گام به گام) استفاده شد. نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با ابراز وجود رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین، بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا با ابراز وجود رابطه منفی معنادار مشاهده گردید. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در دختران و پسران نیز بیانگر آن است که در تبیین متغیر ابراز وجود توسط سبک‌های دلبستگی، در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود ندارد. لذا نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های پژوهش‌های پیشین، نشان دهنده آن است که سبک‌های دلبستگی، واریانس متغیر ابراز وجود را به صورت معنادار پیش‌بینی می‌کنند.

واژه های کلیدی: سبک دلبستگی نایمن؛ سبک دلبستگی ایمن؛ ابراز وجود؛ دانشجویان

## مقدمه

هر فردی شیوه‌های متفاوتی را برای تنظیم عواطف و برقراری ارتباط با دیگران انتخاب می‌کند. نظریه دلبستگی<sup>۱</sup> این تفاوت‌های فردی را در کودکان و بزرگسالان تبیین می‌کند و بر این موضوع تاکید دارد که پیوندهای عاطفی که در بدو تولد بین کودک و مادر (مراقب) در قالب مدل‌های ذهنی<sup>۲</sup> درون‌سازی می‌شوند به روابط کودک در آینده، تعمیم یافته و الگوی این روابط، یعنی سبک‌های دلبستگی<sup>۳</sup> در طول زندگی فرد نسبتاً پایدار می‌مانند (برترتون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱؛ مین<sup>۵</sup>، کاپلن و کسیدی<sup>۶</sup>، ۱۹۸۵؛ وست و شلدن-کلر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۴، به نقل از بشارت و شالچی، ۱۳۸۶: ۲۲۵). از سوی دیگر مفهوم دلبستگی و شکل‌گیری آن در دوران کودکی می‌تواند به روابط میان‌فردی در دوران بزرگسالی کمک‌کرده و تأثیرگذار باشد، چرا که سبک‌های دلبستگی تعیین‌کننده قواعد عاطفی و شناختی و راهبردهایی هستند که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین‌شخصی هدایت می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت که نظریه دلبستگی یکی از تحولات بسیار مهم در حوزه روان‌شناسی معاصر است که اهمیت نقش تجارب هیجانی اولیه کودک با مراقب خود را در رشد هیجانی، برجسته می‌سازد.

بر اساس نظریه دلبستگی فعالیت سیستم دلبستگی، محدود به دوران کودکی نبوده و در تمام طول زندگی و پیوندهای عاطفی دیگری چون دوستی‌ها، ازدواج، روابط خویشاوندی و غیره فعال باقی می‌ماند و انسان‌ها در هیچ سنی بطور کامل از احساس اعتماد نسبت به افراد مهم زندگی آزاد نیستند (مظاهری، ۱۳۷۹: ۲۸۷). عملکرد مطلوب سیستم دلبستگی که دلبستگی ایمن را به دنبال خواهد داشت، متأثر از کیفیت تعامل میان کودک و تصاویر دلبستگی است که حاصل درون‌سازی انتظارات کودک از حساسیت، در دسترس بودن و پاسخگو بودن تصویر دلبستگی در مواقع لزوم می‌باشد. به این ترتیب که کودک در طول سال اول زندگی انتظاراتی را از نحوه تعامل خود با تصویر دلبستگی و اتفاقاتی که در پیرامونش رخ می‌دهد، شکل داده و به تدریج این انتظارات را در قالب یک سری بازنمایی ذهنی که بالبی به آنها الگوهای فعال درونی می‌گوید، درون‌سازی می‌کند (آینسورث<sup>۸</sup>، ۱۹۸۹؛ پیتر و موناکو و بارت<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵). این بازنمایی‌های ذهنی به دو شکل در حافظه ذخیره می‌شوند: بازنمایی‌های ذهنی از پاسخ‌های تصاویر دلبستگی یا الگوهای فعال دیگران و بازنمایی‌های ذهنی از کارآمدی و ارزشمندی خود یا الگوهای فعال خود (میکولینسر و شاور<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵).

مفهوم الگوهای فعال درونی، پایه و اساس فهم چگونگی تأثیر فرایندهای دلبستگی در روابط بزرگسالی بوده (پیتر و موناکو و بارت، ۲۰۰۵) و علت اصلی تداوم و پیوستگی بین تجارب دلبستگی اولیه با شناخت‌ها، احساسات و رفتارها در روابط بعدی است (میکولینسر و شاور، ۲۰۰۵). الگوهای فعال درونی افراد را در فهم و پیش‌بینی محیط خود، به کارگیری رفتارهای انطباقی مانند حفظ همجواری، و تثبیت احساس روان‌شناختی ایمن یاری می‌دهد (پیتر و موناکو، بارت، ۲۰۰۵). تفاوت‌های فردی در الگوهای فعال درونی، موجب شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی

1 . Attachment Theory  
 2 . Mental Models  
 3 . Attachment Style  
 4 . Bretherton  
 5 . Main  
 6 . Kaplan&Cassidy  
 7 . West,Sheldon-keller  
 8 . Ainsworth  
 9 . pitermonaco & Barrett  
 10 . Mikulincer & shaver

متفاوتی می‌گردد. بررسی‌های اولیه در زمینه‌ی سبک‌های دلبستگی از سوی اینسورث و همکاران (۱۹۷۸) انجام گرفت و سه الگوی دلبستگی ایمن<sup>۱</sup>، دلبستگی نایمن-اجتنابی<sup>۲</sup> و دلبستگی نایمن اضطرابی-دوسوگرا<sup>۳</sup> شناسایی شناسایی شد (کرونبرگ<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۷). بر اساس یافته‌های این نظریه، تفاوت‌های فردی در الگوهای فعال و به تبع آن در جهت‌گیری دلبستگی بزرگسالان، با الگوهای متمایزی از سبک‌های کنارآمدن مرتبط است.

از سوی دیگر، محققان بر این باورند که سبک‌های دلبستگی پیش‌بینی کننده شکل‌های خاصی از مسائل و مشکلات میان فردی از جمله عدم توانایی ابراز وجود می‌باشند (آلتین و ترزی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰: ۱۰۰۹). ولیپی<sup>۶</sup> (۱۹۹۰) ابراز وجود را بیان مناسب هر نوع هیجان بدون اضطراب و تشویش می‌داند. این مفهوم به تلاش برای احقاق حقوق انسانی فرد مربوط می‌شود و از زورگویی و چاپلوسی متمایز است (آلبرتی و امونز<sup>۷</sup>، ۱۹۸۶، لازاروس<sup>۸</sup>، ۱۹۷۳؛ ژاکوبوفسکی<sup>۹</sup>، ۱۹۷۳). لانگ<sup>۱۰</sup> و ژاکوبوفسکی (۱۹۷۶) نیز ابراز وجود را شامل گرفتن حق خود و ابراز افکار، احساسات و اعتقادات خویش به نحوی مناسب، مستقیم و صادقانه می‌دانند؛ البته به شرطی که به حقوق دیگران احترام گذاشته شود. افرادی که دارای قدرت ابراز وجود هستند، می‌توانند با دیگران ارتباط نزدیک برقرار کرده و خودشان را از سوء استفاده دیگران دور نگه دارند و دامنه وسیعی از نیازها و افکار مثبت و منفی را ابراز نمایند. چنین افرادی می‌توانند با دیدی بهتر به خود نگریده، به خود اعتمادی برسند و به طور مناسب عواطف و تفکرات فردی خود را نشان دهند و در نتیجه روابط میان فردی مؤثرتری را با دیگران برقرار نمایند (رحیمیان بوگر و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۴). در مقابل افرادی که خود ابرازی پایینی دارند در باورها، احساسات و عقایدشان، حقی برای خود قائل نبوده و در پاسخ به اعتراض علیه رفتارهای نادرست دیگران، ناتوانند و خواسته‌هایشان را نسبت به دیگران کم‌اهمیت می‌دانند (عمیدنیا و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۹).

نتایج به دست آمده از مطالعات محققان بیانگر آن است که در افراد دارای سبک‌های دلبسته اجتنابی معمولاً میزانی از خصومت و پرخاشگری و در افراد با سبک‌های دلبسته اضطرابی فقدان توانایی ابراز وجود دیده می‌شود (هوگان و هوگان، ۲۰۰۲). شاور و برنان (۱۹۹۲)، نوفتلی<sup>۱۱</sup> و شاور (۲۰۰۶) و اسلان<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۳) نیز در بررسی‌های خود نشان دادند که افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی گرایش کمتری به ابراز وجود دارند. همچنین افراد با سبک دلبستگی ایمن توانایی پردازش سازمان‌یافته‌ی اطلاعات هیجانی را داشته و قادر به کنترل و تنظیم بهینه رفتارهای خود، از جمله ابراز وجود در روابط بین فردی می‌باشند و در ارتباطات خود از شیوه‌های کارآمد و مؤثر ارتباطی استفاده می‌کنند (بیرامی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

همچنین نتایج پژوهش تاماکی و تاکاهاشی (۲۰۱۳) که به ارتباط بین سبک‌های دلبستگی با مهارت‌های اجتماعی در بزرگسالان می‌پردازد، نشان دهنده آن است که افراد با سبک دلبستگی مضطرب و آشفته نسبت به

- 
1. Secure attachment
  2. Avoidant attachment
  3. Anxious- Ambivalent attachment
  4. Kronenberg
  5. Altin & Terzi
  6. Wolpe
  7. Alberti & Emmons
  8. Lazarus
  9. Jakubowski
  10. Longe
  11. Noflie
  12. Aslan

کسانی که دلبستگی ایمن را تجربه می کنند در مهارت های اجتماعی از جمله ابراز وجود نمرات پایین تری را به دست می آورند. این افراد به دلیل استفاده از روش های نامطلوبی، همچون مقابله منفعل با مسائل، در مهارت های اجتماعی از جمله ابراز وجود رشد لازم را ندارند. نتایج بررسی هوری و کوبایاشی (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان ارتباط سبک های دلبستگی در بزرگسالان با مهارت های اجتماعی و سازگاری روانشناختی، نشانگر آن است که افراد با سبک دلبستگی ایمن علاوه بر توان بالا در ابراز وجود، دارای سازگاری روانشناختی بهتری نیز هستند. در صورتی که افراد با سبک نایمن اضطرابی در سازگاری روانشناختی نمرات پایین تری را به دست آوردند.

یافته های پژوهش ترنر (۲۰۱۱) نیز بیانگر آن است که بین سبک های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با ابراز وجود و پرخاشگری روانشناختی ارتباط معنادار وجود دارد، به این ترتیب که بین سبک های دلبستگی نایمن با ابراز وجود رابطه منفی و با پرخاشگری رابطه مثبت وجود داشت. همچنین رابطه سبک دلبستگی ایمن با ابراز وجود مثبت و با پرخاشگری منفی بود. لذا در این پژوهش رفتارهای پرخاشگرانه، بیشتر در افراد با سبک دلبستگی نایمن دیده می شد. همچنین نتایج پژوهش باک (۲۰۱۲) بیانگر ارتباط منفی بین سبک دلبستگی اضطرابی و ابراز وجود است. در این پژوهش در دیگر سبک های دلبستگی با ابراز وجود رابطه ای مشاهده نشد. بنابراین تحقیقات انجام شده توسط پژوهشگران مختلف مؤید این نکته است که توانایی ابراز وجود در افراد دارای سبک های دلبستگی نایمن (اضطرابی و اجتنابی)، بسیار کمتر از افراد دارای سبک های دلبستگی ایمن است.

در مورد ارتباط سبک های دلبستگی با ابراز وجود با توجه به جنسیت تاکنون پژوهش های زیادی انجام نشده است. اما نتایج پژوهش هایی چون امانی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۳) تحت عنوان ارتباط سبک های دلبستگی با سبک های های شخصیتی و ابراز وجود در دختران حاکی از آن است که دختران با سبک های دلبستگی نایمن اضطرابی و اجتنابی، ابراز وجود کمتری از خود نشان می دهند. آنها معتقدند، به دلیل آنکه افراد با دلبستگی اضطرابی و اجتنابی در مورد حمایت دیگران نسبت به خودشان نامطمئن هستند، بنابراین دچار احساسات منفی همچون بدگمانی، حسادت، بی اعتمادی و..... می شوند، که منجر به ارتباط ناسالم با دیگران، عدم رضایت از زندگی و ناسازگاری در آنها می شود (بارتولومئو و هورویتز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱). در پژوهش دیگری که توسط کوباک<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۹۳) و با عنوان شیوه شیوه برخورد نوجوانان پسر با مادرانشان صورت گرفت، نتایج نشان داد که نوجوانان ایمن، خشم و اجتناب نامناسب کمتری را بروز داده و در مقایسه با نوجوانان اجتنابی بی تفاوت، از جرأت ورزی بیشتری برخوردار بودند.

همچنین نوتا و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان بررسی چندگانه خودمختاری در نوجوانان نشان دادند که ابراز وجود به عنوان یکی از سطوح خودمختاری، بر اساس سن و جنس متفاوت است. یافته های پژوهش کایلپیک (۲۰۱۰) نیز بیانگر آن است که بین ابراز وجود و دلبستگی به والدین در نوجوانان ارتباط معناداری وجود دارد و البته این نتایج حاکی از تفاوت های جنسیتی در این رابطه بوده است. به این صورت که دختران در جدایی از والدین و رسیدن به استقلال مشکلات بیشتری را تجربه می کنند در حالی که این علائم در پسران کمتر دیده می شود.

یامان (۲۰۰۵) در پژوهش خود با عنوان تاثیر والدین و روابط خانواده در جدایی-تفرد و سازگاری روانشناختی نوجوانان، نشان می دهد که دختران در مقایسه با پسران در مرحله جدایی از والدین در دوران نوجوانی

<sup>۱</sup>. Amani

<sup>۲</sup>. Bartholomew & Horowitz

<sup>۳</sup>. Kobak

و اوایل جوانی مشکلات بیشتری را تجربه می‌کنند و دیرتر به سازگاری روانشناختی می‌رسند. اسلان (۲۰۱۰) نیز ابراز وجود را پیش‌بینی کننده اضطراب جدایی و رسیدن به استقلال در دوران نوجوانی و جوانی می‌داند. همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که دخترانی که والدین گرم تر با روابط دوستانه‌تری دارند، بهتر از برنامه‌های ابراز وجود بهره‌مند می‌شوند. به عبارت دیگر سبک‌های والدین و ارتباط آنها با یکدیگر و روش‌های تربیتی که آنها برای فرزندان خود در کودکی انتخاب می‌کنند، در مهارت‌هایی همچون مهارت‌های حل مسأله، استقلال، قدرت تصمیم‌گیری، عزت نفس، رشد مهارت‌های ذهنی و هیجانی و ابراز وجود در محیط‌های اجتماعی در دوران نوجوانی و جوانی تأثیرگذار خواهد بود (اعلایی و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۹۴۹).

بنابراین از آنجا که روابط اولیه کودک با والدین و به دنبال آن دلبستگی بزرگسالان می‌تواند به عنوان عاملی تأثیرگذار در مقابله با آسیب‌پذیری و سازش‌یافتگی در رویدادهای پراسترس زندگی و روابط میان‌فردی آنها محسوب شود، ضرورت بررسی، پژوهش و مطالعه در این زمینه دارای اهمیتی فراوان است. از سوی دیگر جوانی و مسائل مربوط به آن همچون ورود به دوران دانشجویی و مسائل و مشکلات آن همچون زندگی در خوابگاه‌ها و برقراری روابط سالم اجتماعی با همسالان، دوری و جدایی از خانواده و ..... اهمیت و ضرورت پژوهش در این حیطه را دوچندان می‌کند. لذا هدف از پژوهش، بررسی سبک‌های دلبستگی و عامل تأثیرپذیر از آن در جهت برداشتن گام‌های مؤثر در راستای موفقیت جوانان به خصوص قشر دانشجوی کشور است. بنابراین فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

۱. بین سبک‌های دلبستگی و ابراز وجود در دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.
۲. بین سبک‌های دلبستگی و ابراز وجود در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.

## روش

### جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و نمونه

پژوهش حاضر، از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های کاشان در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بود (دو دانشگاه دولتی و آزاد کاشان به صورت تصادفی انتخاب شدند). حجم نمونه با توجه به توزیع دانشجویان دختر و پسر در جامعه آماری، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و بر اساس فرمول کوکران ۴۰۰ نفر (۱۸۷ دانشجوی دختر و ۲۱۳ دانشجوی پسر) انتخاب گردید. میانگین سنی کل آزمودنی‌ها ۲۲/۲۵ سال با دامنه ۱۸ تا ۴۳ و انحراف استاندارد ۲/۸۶، میانگین سن دانشجویان دختر ۲۳/۱۱ سال با دامنه ۱۸ تا ۴۳ و انحراف استاندارد ۳/۵۱ و میانگین سن دانشجویان پسر ۲۱/۵ با دامنه ۱۸ تا ۳۰ سال و انحراف استاندارد ۱/۸۴ بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری شامل میانگین، انحراف معیار، آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. در این پژوهش از دو مقیاس استاندارد شده برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است:

**پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی بزرگسال (AAI):** این پرسشنامه شامل ۱۵ سوال است که توسط هازن و شاور در سال (۱۹۸۷) ارائه شده است. این آزمون در یک مقیاس لیکرتی (۵ نقطه‌ای) درجه‌بندی می‌شود که به هرگز نمره ۱ و به تقریباً همیشه نمره ۵ تعلق می‌گیرد. این پرسشنامه دارای سه خرده مقیاس است که ۵ ماده اول مربوط به سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی، ۵ ماده دوم مربوط به سبک دلبستگی ایمن و ۵ ماده سوم مربوط به سبک

دلبستگی نایمن دوسوگرا می‌باشد. تحلیل عاملی پرسشنامه هازن و شاور (۱۹۸۷) توسط کولینز و رید<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) به استخراج سه عامل عمده منجر شد که توسط پژوهشگران به عنوان ظرفیت پیوستن به روابط نزدیک و صمیمی تفسیر می‌شود. هازن و شاور پایایی بازآزمایی کل پرسشنامه را ۰/۸۱ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند. کولینز و رید هم پایایی با آلفای کرونباخ ۰/۷۹ را در مورد این ابزار گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر پایایی با آلفای کرونباخ ۰/۷۶ بدست آمد. همچنین روایی همزمان این پرسشنامه توسط رحیمیان به وسیله آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه به ترتیب برای سبک دلبستگی ایمن (۰/۷۷)، برای سبک نایمن اجتنابی (۰/۸۱) و برای نایمن دوسوگرا (۰/۸۳) به دست آمده است. همچنین روایی همزمان این پرسشنامه با مصاحبه ساختاریافته ماین برای دلبستگی بزرگسالان به ترتیب ایمن (۰/۷۹)، نایمن اجتنابی (۰/۸۴) و نایمن اضطرابی (۰/۸۷) برآورد شده است. پرسش‌نامه ابراز وجود (AI): این پرسشنامه ۴۰ سوالی توسط گمبریل و ریچی<sup>۲</sup> (۱۹۷۵) ساخته شده است. هر پرسش بیانگر یک موقعیت است که پاسخ دهنده باید درجه نگرانی و احتمال پاسخ خود را در قبال هر سؤال مشخص سازد. درجه ناراحتی ذهنی به میزان و شدت اضطراب و ناراحتی آزمودنی در مواجهه با این موقعیت‌ها اشاره دارد و نرخ بروز رفتار به امکان بروز چنین رفتارهایی اشاره می‌کند. هر سؤال دارای ۵ گزینه است که به ترتیب با گزینه های خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲)، و خیلی کم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. پایایی آزمون به روش پیش‌آزمون - پس‌آزمون، ۰/۸۱ به دست آمده است (گمبریل و ریچی، ۱۹۷۵). پیری (۱۳۸۴) پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۵ به دست آورده است و با تحلیل عاملی برای تعیین روایی پرسشنامه دو عامل به دست آورد، که اعتبار عامل اول ۰/۸۲ و عامل دوم ۰/۷۵ برآورد شد. بر پایه دیدگاه‌های موجود بر این دو عامل نام‌هایی مناسب انتخاب شد. عامل نخست بر پایه دیدگاه لانگ و ژاکوبوفسکی (۱۹۷۶) با ابراز وجود بنیادی هم‌خوان است و بر اساس دیدگاه کلی و همکاران، (۱۹۷۸) عامل دوم، ابراز وجود مقابله‌ای نامیده شد. (گمبریل و ریچی، ۱۹۷۵؛ به نقل از پیری و شهرآرای، ۱۳۸۴: ۴۶). در پژوهش حاضر، پایایی پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ ۸۵ برآورد شد.

## یافته‌ها

جدول ۱ یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های دلبستگی و ابراز وجود را در دختران و پسران و برای کل نمونه نشان می‌دهد.

<sup>1</sup>. Collins & read

<sup>2</sup>. Gambrill & Richy

جدول ۱: شاخص های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱ نایمن اجتنابی	۱			
۲ ایمن	**۳۱۶ / ۱			
	-۰			
۳ نایمن دوسوگرا	**۱۳۷ / ۱	۰/۰۷۰		
	.			
۴ ابراز وجود	**۱۸۹ / ۱	**۱۷۳ / ۰	*۱۲۰ / ۰	۱
	-۰		-	

همان طور که نتایج جدول ۱ نشان می دهد، در بین سبک های دلبستگی، سبک ایمن (۱۱/۲۸) با انحراف استاندارد (۳/۳۴) در پسران بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده است. در مورد متغیر ابراز وجود نیز میانگین نمرات پسران (۱۱۹) با انحراف استاندارد (۲۲/۴۲) از میانگین نمرات دختران (۱۱۵/۵۲) با انحراف استاندارد (۱۹/۳۰) بیشتر بوده است.

جدول شماره ۲ نشان دهنده ضرایب همبستگی بین سبک های دلبستگی و ابراز وجود می باشد

جدول ۲: ماتریس همبستگی سبک های دلبستگی و ابراز وجود

متغیرها	جنسیت		نمره کل	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد	انحراف استاندارد
	دختر	پسر					
ایمن	۱۰/۸۲	۲/۹۷	۱۱/۰۷	۳/۱۸	۳/۳۴	۱۱/۲۸	۳/۳۴
نایمن	۸/۳۱	۳/۳۴	۸/۶۱	۳/۵	۳/۶۱	۸/۸۷	۳/۳۴
اجتنابی							
نایمن	۷/۸۳	۳/۸۷	۸/۳۰	۴	۴/۰۷	۸/۷۰	۳/۸۷
دوسوگرا							
نمره کل	۱۱۵/۵۲	۱۹/۳۰	۱۱۷/۳۷	۲۱/۰۶	۲۲/۴۲	۱۱۹	۱۹/۳۰

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که بین سبک های دلبستگی و ابراز وجود ارتباط معنادار وجود دارد. به این ترتیب که بین سبک دلبستگی ایمن با ابراز وجود رابطه مثبت ( $p < 0/01$ ) و معنادار و بین سبک های نایمن اجتنابی ( $p < 0/01$ ) و دوسوگرا رابطه منفی ( $p < 0/05$ ) و معنادار وجود دارد.

۱. بین سبک های دلبستگی و ابراز وجود در دانشجویان رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیون برای سبک های دلبستگی و ابراز وجود به روش گام به گام در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون بین سبک های دلبستگی و ابراز وجود به روش گام به گام

متغیر ملاک	مدل	متغیر پیش بین	R <sup>2</sup>	F	t	ضریب	ضرایب	سطح معناداری	
						استاندارد	غیراستاندارد		
						Beta	B	SE	
۱		دلبستگی نایمن	۰/۳۶	/۷۱	۳/۸۳		/۱۳۸	۰/۲۹	۰/۰۰۰**
		اجتنابی	۰/	۱۴	-	-۰/۱۸۹	-۱		
۲		دلبستگی نایمن	۰/۵۰	/۴۰	۲/۴۹		۰/۸۹	۰/۳۱	۰/۰۰۴**
		اجتنابی	۰/	۱۰	-	-۰/۱۴۹	-	۰/۳۴	۰/۰۱۵*
		دلبستگی ایمن	۰/	۲/۴۳		۰/۱۲۵	۰/۸۳		
ابراز وجود		دلبستگی نایمن			۲/۴۸		۰/۷۷	۰/۳۱	
		اجتنابی			-	-۰/۱۲۹	-	۰/۳۴	۰/۰۱**
		دلبستگی ایمن	۰/۶۲	/۷۲	۲/۷۰	۰/۱۴۰	۰/۹۲	۰/۲۶	۰/۰۰۷**
		دلبستگی نایمن	۰/	۸	۲/۲۷	-۰/۱۱۲	۰/۵۹	-	۰/۰۲*
		دوسوگرا			-	-			

\*\*p < 0/01      \*p < 0/05

نتایج تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۳ بیانگر آن است که بین سبک دلبستگی ایمن با ابراز وجود با توجه به ضریب بتا (0/125 = , p < 0/01) رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین رابطه سبک دلبستگی نایمن اجتنابی (-0/189 = , p < 0/01) و دوسوگرا (-0/112 = , p < 0/05) با ابراز وجود، منفی و معنادار پیش بینی شده است. به عبارت دیگر با توجه به ضریب تأثیر بتا، بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا با ابراز وجود رابطه معکوس وجود دارد. همچنین نتایج جدول نشان می دهد که ۶/۲ درصد واریانس ابراز وجود توسط سبک های دلبستگی تبیین می شود.

۲. بین سبک های دلبستگی و ابراز وجود در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۴: تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی بین سبک های دلبستگی و ابراز وجود در دانشجویان دختر و پسر

متغیر ملاک	مدل	متغیر پیش بین	$\Delta R$	$R^2$	F	t	ضریب		سطح معناداری
							استاندارد	ضرایب غیراستاندارد	
							B	SE	
ابراز وجود	۱	ناایمن				۲/۴۸	۰/۱۲۹	۰/۷۷	**۰/۰۱
		اجتنابی				-	-	-	
		ایمن	۱/۰۶۲	۱/۰۶۲	۱/۸۲۷	۲/۷۰	۰/۱۴	۰/۹۲	**۰/۰۰۷
	۲	ناایمن				۲/۲۷	-۰/۱۱۲	۰/۵۹	*۰/۰۲
		دوسوگرا				-	-	-	-
		ناایمن				۲/۶۶	-۰/۱۳۹	۰/۸۳	**۰/۰۰۸
جنسیت	۲	اجتنابی				-	-	-	
		ایمن	۱/۰۰۹	۱/۰۷۱	۱/۹۱۷	۲/۵۱	۰/۱۳۰	۰/۸۶	**۰/۰۱
		ناایمن				۲/۴۴	-۰/۱۲۱	۰/۶۳	**۰/۰۱
	دوسوگرا				-	-	-	-	
	جنسیت				۱/۹۷	۰/۰۹۷	۴/۰۹	*۰/۰۴	

\*\*p &lt; 0/01 \*p &lt; 0/05

برای آزمون نقش تعدیل کنندگی جنسیت در رابطه سبک های دلبستگی و ابراز وجود، از مراحل پیشنهادی بارون و کنی<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) به روش رگرسیون سلسله مراتبی همزمان استفاده شد. بر اساس این پیشنهاد چنانچه با ورود متغیر تعدیل کننده به معادله، ضریب متغیر پیش بین اولیه به سمت صفر (غیرمعناداری) میل کند تعدیل کنندگی احراز می شود. به عبارت دیگر کاهش معنادار بتا بیانگر نقش تعدیل کننده متغیر مرتبه جدید در ارتباط بین متغیر مرتبه قبل و متغیر ملاک است. لذا برای بررسی نقش تعدیل کننده جنسیت بر اساس گام نخست نظریه بارون و کنی (۱۹۸۶) مقدار بتای ابراز وجود از طریق سبک های دلبستگی با استفاده از رگرسیون گام به گام بدست آمد که نتایج آن در جدول شماره ۳ بیانگر آن است که سبک های دلبستگی پیش بینی کننده متغیر ابراز وجود می باشد. لذا شرط اول برقرار است. بر اساس شرط دوم که متغیر پیش بین باید بر متغیر تعدیل کننده اثرگذار باشد، در گام دوم نقش سبک های دلبستگی در پیش بینی جنسیت بررسی و ضریب بتا فقط در سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا (۰/۱۲ = p، ۰/۰۳ = p) معنادار شد. در گام سوم، تاثیر متغیر تعدیل کننده بر متغیر ملاک محاسبه گردید که نتیجه آن در جدول شماره ۴ نشانگر معنادار بودن رابطه است (۰/۰۹ = p، ۰/۰۴ = p). علاوه بر وجود شرایط فوق و در گام چهارم اثر هریک از متغیرهای پیش بین بر روی متغیر ملاک زمانی که متغیر تعدیل کننده به معادله رگرسیون افزوده می شود، باید از زمانی که متغیر تعدیل کننده در معادله نبوده است، کمتر شود. که نتایج جدول شماره ۴ نشان دهنده کاهش ضریب بتا نبوده است. بنابراین با توجه به برقرار نبودن شرط دوم و همچنین مقدار  $\Delta R$  بدست آمده که حدود ۰/۰۰۹ است، می توان گفت که نقش تعدیل کننده جنسیت بسیار ناچیز برآورد شده است. با این وجود

1. Baron &amp; kenny

بررسی نقش تعدیل کنندگی متغیر جنسیت توسط فرمول کوهن و کوهن<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) نیز نشان دهنده عدم تاثیر متغیر جنسیت در رابطه بین متغیر پیش‌بین و ملاک می‌باشد ( $Z=0/04$ ،  $p=0/05$ ).

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ابراز وجود با یکدیگر و تفاوت این دو متغیر در دانشجویان دختر و پسر پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی با ابراز وجود در دانشجویان بیانگر آن است که سبک دلبستگی ایمن با ابراز وجود دارای رابطه مثبت و با سبک ناایمن اجتنابی و دوسوگرا دارای رابطه منفی و معنادار است به عبارت دیگر افراد با سبک ناایمن اجتنابی و دوسوگرا در روابط خود، ابراز وجود کمتری نشان می‌دهند، در حالی که افراد با سبک ایمن در روابط بین فردی دارای قدرت ابراز وجود بیشتری هستند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیقاتی همچون هوگان و هوگان (۲۰۰۲)، شاور و برنان (۱۹۹۲)، نوفتلی و شاور (۲۰۰۶)، اسلان (۲۰۱۳)، امانی و همکاران (۲۰۱۳) و غباری بناب و همکاران (۲۰۱۱)، ترنر (۲۰۱۱)، تاماکی و تاکاهاشی (۲۰۱۳) و هوری و کوبایاشی (۲۰۱۰)، باک (۲۰۱۲) همخوان است. یافته‌های این پژوهش با پژوهش سالی (۲۰۱۱) مبنی بر عدم ارتباط بین سبک های دلبستگی با ابراز وجود همسو نبود.

در تبیین این پدیده می‌توان گفت، سبک‌های دلبستگی افراد تعیین کننده ویژگی‌های عاطفی و شناختی و راهبردهایی است که واکنش هیجانی را در افراد و روابط بین‌شخصی آنها هدایت می‌کند. تحول و سازمان‌دهی این بازنمایی‌های درونی یا الگوهای فعال درونی به تفاوت‌های فردی در کیفیت بهداشت روانی و تعاملات اجتماعی درست منجر می‌شود. تجربه‌ی یک رابطه ایمن و حمایت کننده با مادر در کودکی، فرد ایمن را قادر می‌سازد تا در روابط خود علاوه بر اینکه به دیگران اعتماد و اطمینان دارد، خود نیز منبع اعتماد و اطمینان دیگران باشد و در واقع مسئولیت فردی و اجتماعی بالایی بر عهده بگیرد و در سختی‌ها و مشکلات انعطاف‌پذیر و مقاوم باشد و راه‌حل‌های مناسبی ارائه دهد. باز بودن ایمن‌ها در گرفتن اطلاعات جدید و تمایل آنها به اصلاح طرحواره‌های خود در صورت اطلاعات جدید نیز باعث می‌شود که با تغییرات سازگار شوند و طرح‌های واقع‌بینانه‌تری را ایجاد کنند (میکولینسر و همکاران، ۱۹۹۹). لذا این افراد در روابط خود دیدگاه‌های مثبتی را اتخاذ می‌کنند، راحت‌تر به دیگران اطمینان می‌کنند و در زندگی سازگاری و رضایت بیشتری دارند. در مقابل افراد با سبک دلبستگی ناایمن دارای الگوهای فعال درونی منفی و نسبتاً انعطاف ناپذیر هستند که موجب درماندگی فرد در کنش‌وری‌های مختلف رفتاری می‌شود و در نتیجه فرد راهبردهای غیرکارکردی و غیرواقعی بینانه‌ای را برای پردازش افکار و احساسات و ارزیابی‌های خود به کار می‌برد که می‌تواند مانع از انعطاف فرد هنگام بروز مشکلات و زمینه ایجاد و استمرار آسیب‌پذیری‌های روانی را فراهم سازد (پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۵).

هدف مهم دیگر در این پژوهش بررسی رابطه سبک های دلبستگی با ابراز وجود در دانشجویان دختر و پسر بود. قبل از پرداختن به بحث و بررسی نتایج در این بخش، باید به این نکته توجه شود که درباره این فرضیه در دو جنس دختر و پسر تحقیقات زیادی انجام نشده است. ضمن آنکه تحقیقات انجام شده در این رابطه در دختران و یا

<sup>1</sup>. Cohen & cohen

در پسران به صورت جداگانه بوده و در جهت بررسی تعدیل کننده بودن نقش جنسیت پژوهش‌های زیادی انجام نگرفته است. لذا تحقیقاتی که بتوان برای مقایسه نتایج از آنها استفاده کرد بسیار محدود بود.

نتایج نشان داد که، متغیر جنسیت در رابطه سبک‌های دلبستگی با ابراز وجود تعدیل کننده نبود و در این رابطه تفاوت معناداری در دانشجویان دختر و پسر به دست نیامد. لذا فرضیه دوم تایید نشد. یافته‌های پژوهش با یافته‌های گون (۲۰۱۰) و سالی (۲۰۱۰) همسو و با پژوهش‌های امانی (۲۰۱۳)، کاپلیک (۲۰۱۰)، نوتا (۲۰۱۱)، یامان (۲۰۰۵) و کوباک و همکاران (۱۹۹۳) همخوان نبود. با وجود اینکه تحقیقاتی که در مورد تفاوت‌های جنسیتی در ارتباط دلبستگی با ابراز وجود انجام گرفته، همسو با نتایج این پژوهش سهم این رابطه را در پسران، به دلیل ایفای نقش بیشتر و نگرش‌های قالبی جنسیتی در جامعه بیشتر دانسته، اما در این پژوهش و در مقایسه دختران و پسران دانشجویان تفاوت معناداری مشاهده نشد. عدم تعدیل کنندگی جنسیت در این رابطه را می‌توان به برابر بودن موقعیت اجتماعی دانشجویان دختر و پسر مرتبط دانست. آنچه در شرایط دانشجویی در دختران و پسران مساوی است، حضور آنها در عرصه‌های اجتماعی و فعالیت شغلی، تحصیلی و ..... است. بنابراین شرایط کنونی جامعه و ایفای نقش زنان و مردان در کنار یکدیگر، خود می‌تواند عاملی تاثیر گذار در جهت کاهش قالب‌های جنسیتی زنان و مردان باشد. یکی از دلایل دیگر، استفاده محققان از ابزارها و روش‌های مختلف است. لذا انجام این پژوهش در دیگر اقشار جامعه و استفاده از ابزار متفاوت، نکته‌ای با اهمیت است که باید در تحقیقات آینده به آن پرداخته شود.

در نهایت با توجه نتایج تحقیقات روان‌شناسان تحولی که احساس گرمی، اعتماد و امنیتی که حاصل دلبستگی ایمن با چهره اولیه دلبستگی است؛ را زمینه کنش روان‌شناختی سازگارانه روش‌های سازماندهی ارتباطات میان-فردی می‌دانند؛ لزوم توجه به این نظریه و پرداختن به آثار آن در دوران بزرگسالی می‌تواند به پدران و مادران، مشاوران و درمانگران در جهت ایجاد رفتارهای سازگارانه و ارتباطات اجتماعی سالم کمک نماید. همچنین ارائه مشاوره‌های تشخیصی به دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه‌ها در خصوص غربالگری و تشخیص سبک‌های دلبستگی می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر در جهت مقابله با مسائل و مشکلات تحصیلی و موفقیت در سازگاری و روابط بین‌فردی، به ویژه برای دانشجویانی که در خوابگاه‌ها با همسالان خود زندگی می‌کنند، مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- بشارت، محمدعلی و محمدعلی شالچی (۱۳۸۶). سبک‌های دلبستگی و مقابله با تنیدگی. **فصلنامه روان‌شناسان ایرانی**، سال ۳، شماره ۱۱ (۲۳۵-۲۲۵).
- بیرامی، منصور و همکاران (۱۳۹۱). مقایسه شادکامی و اشتیاق برای برقراری ارتباط در سبک‌های دلبستگی دانشجویان. **مجله علوم رفتاری**، دوره ۶، شماره ۲ (۱۰۹-۱۰۵).
- پیری، لیلا و شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان سبک‌های هویت، ابراز وجود و سبک‌های مقابله. **فصلنامه مطالعات روان‌شناختی**، ۱(۲) (۵۴-۳۹).
- پیوسته‌گر، مهرانگیز و بشارت، محمدعلی و پژوهی‌نیا، شیما و سیفی، محمدیاسین (۱۳۹۱). تبیین آسیب‌پذیری‌های روانی بر اساس سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دانشگاه‌های مختلط دولتی تهران. **دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی**، ۱۳ (۴۷) (۳۸-۲۹).

رحیمیان، اسحق؛ شاره، حسین؛ حبیبی عسگرآباد، مجتبی و محمدعلی بشارت (۱۳۸۶). بررسی تأثیر شیوه‌های جرأت‌ورزی بر سازگاری اجتماعی. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، سال ششم، شماره ۲۳ (۲۹-۵۴).

عمیدنیا، الهام؛ نیسی، عبدالکازم و منصور سودانی (۱۳۸۹). ابراز وجود و میزان سازگاری فردی- اجتماعی در دانشجویان دختر. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، سال ۳، شماره ۱۷ (۳۷-۴۶).

غباری بناب، باقر؛ مسعود حجازی (۱۳۸۶). رابطه جرأت‌ورزی و عزت‌نفس با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان عادی و تیزهوش. *فصلنامه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، سال ۷، شماره ۳ (۲۹۹-۳۱۶).

مظاهری، محمدعلی (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری ازدواج. *مجله روان‌شناسی*، شماره ۴ (۳۱۸-۲۸۶).

- Alayi, Z. Babaei Zad Khamen, A. & Ahmadi Gatab, T. (2011). Parenting style and self-assertiveness: effects of a training program on self-assertiveness of Iranian high school girls. *Social and Behavioral Sciences*, 30, 1945-1950.
- Ainsworth, M. D. S. (1989). *Attachments beyond infancy*. *American Psychologist*, 44, 709-716.
- Alberti, R. and Emmons, M. (1986). *Your perfect Right: a Guide for assertive living* (4<sup>th</sup> edition). Impact, San Luis Obispo, California.
- Altin, M., & Terzi, S. (2010). How does attachment styles relate to intimate relationship to aggravate the depressive symptoms?. *Social and Behavioral Sciences*, 1008-15.
- Aslan, Sevda. (2013). Separation-Individuation and Assertiveness in Late Adolescents. *Romanian Journal of Applied Psychology*, 15, 1, 27-32.
- Aslan, S., & Güven, M. (2010). The relation between attachment and personal adjustment mediated by separation-individuation. *Education and Science*, 35, 15, 181-189.
- Amani hafshejani, Z. Fatehizade, & Yousefi, Z. (2013). The multiple relations between attachment styles and big five personality traits with assertiveness in a sample of Iranian girl. *Journal of Education Research and Behavioral Sciences*, 2(10), 161-166.
- Baron, R.M., & Kenny, D.A. (1986). The moderator - mediator variable distinction in social psychological research: conceptual, strategically and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. M. (1991). Attachment styles among young adults. A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Buck, N.M.L., Leenaars, E.P.E.M., Emmelkamp, P.M.G Van Marle, H.J.C. (2012). Explaining the relationship between insecure attachment and partner abuse: The role of personality characteristics. *J. Interpersonal Violence*, 27, 16, 3149-3170.
- Cohen J, Cohen P. (1983). *Applied multiple regression/correlation analysis for the behavioral sciences*. Elburn.
- Güven, Mehmet. (2010); An analysis of the vocational education undergraduate students levels of assertiveness and problem-solving skills; *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 064-2070.
- Hazan, c., & Shaver, p.R. (1987). Romantic Love Conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, 52, 511-524.
- Hogan, R., & Hogan, J. (2002). *The Hogan Personality Inventory*. In B. De Raad & M. Perugini (Eds.), *Big Five assessment*. Ashland, OH: Hogrefe & Huber, 329-346.

- Hori, M. and Kobayashi, T. (2010). Association among adult attachment, social skills, and psychological adjustment for university students. *Journal of School Mental Health*, 13, 41-48. (In Japanese with English abstracts).
- Jakubowski, P. (1973). Facilitating the Growth of women through Assertive training. *Counseling psychologist*, 4, 75-86.
- Kılıç, G. (2010). An analysis of adolescents assertiveness level according to the attachment patterns towards their parents and specific demographic variables: *The example of Darica. Unpublished master's thesis*, University of Cukurova, Department of Educational Sciences, Adana.
- Kronenberg, P.M.; Van Dam, M.; Van Ijzendoorn, M.H.; & Mooijart, A. (1997). Dynamics of behavior in Strange Situation: a structural equation approach. *British Journal of psychology*, 88, 311-332.
- Kobak, R.R., & Sceery, A. (1993). Attachment in late adolescence: Working models, after regulation and representations of self and others. *Child Development*, 59, 135-146.
- Lazarus, A. A. (1973). *On assertive behavior: A brief note. Behavior Therapy*, 4, 697-699.
- Longe, A. J., & Jakubowski, P. (1976). *The Assertive Option: Your Right and Responsibilities*. Champaign, Illinois: Research Press.
- Mikulincer, M.; & Shaver, P. (2005). Attachment theory and research: Resurrection of the psychodynamic approach to personality. *Journal of research in personality*, 39, 33-45.
- Mikulincer, M., Florian, V., & Tolmacz, R. (1999). Attachment styles and fear of personal death : A case study of affect regulation. *Journal of personality and social psychology*, 58, 273-280.
- Mikulincer, M., & Florian, V. (2001). Attachment style and affect regulation: implications for coping with stress and mental health. In G. J. O. Fletcher M. S. Clark (Eds.), *Blackwell handbook of social psychology: Interpersonal processes* Oxford: Blackwell, 537-557.
- Notfle, E., & Shaver, P. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality*, 40, 179° 208.
- Nota, L., Soresi, S., & Ferrari, L., Wehmeyer, M. L. (2011). A multivariate analysis of the self-determination of adolescents. *Journal of Happiness Studies*, 12, 245-266.
- Pitromonaco, P.R.; & Barrett, L.F. (2000a). The internal working models concepts. *Review Of General Psychology*. 175. 155,4.
- Sally I, Maximo., Hylene S, Tayaban., Grace B, Cacdac., Myki Jen A, Cacanindin., Robert John S, Pugat., Melvin F, River., Melowin C, Lingbawan. (2011). Parents Communication Styles and Their Influence on the Adolescents Attachment, Intimacy and Achievement Motivation . *International Journal of Behavioral Science*, 6, 1, 60-74.
- Shaver, P. R., & Brennan, K. A. (1992). Attachment style and the big five personality traits: Their connection with romantic relationship outcomes. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, 536° 545
- Tamaki, K. Takahashi, J. (2013). The Relationship between Adult Attachment Style and Social Skills in Terms of the Four-Category Model of Attachment Style *International Journal of Humanities and Social Science*, 3, 19, 84-90.
- Turner, Lisa A.; Langhinrichsen-Rohling, J. (2011). Attachment, Relationship Beliefs, and Partner-Specific Assertiveness and Psychological Aggression Among College Students. *Springer Publishing Company*, 2, 4, 387-403.
- Wolpe, J. (1990). *The practice of behavior therapy 4rd Edition*. Penuniversity usa.

Yaman, B. (2005). The effects of marriage relationship of mother and father and family relations on separation- individuation and psychological adaptation of adolescents. *Unpublished master thesis*, University of Ege, Department of Psychology, Izmir.

\* \*

## The Relationship among Attachment Styles & Assertiveness among University Students

**Dr. Sedighi, Arfaie, F.**

Associate of Professor of Kashan University

**Najarian, Z.<sup>1</sup>**

. M.A. in Educational Psychology; Faculty of Psychology; Kashan University; Kashan, Iran (Corresponding Author)

### Abstract

Different researches conducted on attachment theory demonstrate its significance in various aspects of individuals' life. According to this theory, there is a constant impact of the quality of the attachment that signifies individual differences in regulating the interpersonal relationships. Considering the importance of this topic, The goal of the present research was to examine the relationship among attachment styles & assertiveness among university students. In doing so, a descriptive-correlation research method was adopted. The statistical population involved students of Kashan University studying in academic year of 2011-2012. From among them, a number of 400 students were selected using stratified sampling method. To collect data, 2 questionnaires including Hazen & Shaver's Adult Attachment Interview (AAI) & Gambrell & Richey's Assertiveness Interview (AI) were utilized. To do data analysis, both descriptive (mean & Standard deviation) & inferential (Pearson's Correlation Coefficient Test & stepwise and hierachial Regression) statistical methods were adopted in this study. The results indicated that there was a positive meaningful relationship among secure attachment style & assertiveness. Also, there existed a negative meaningful relationship among avoidant and ambivalent insecure attachment style & assertiveness. Results of regression analysis from male & female students showed that, in terms of the act of expressing assertiveness performed by attachment styles, there was not a meaningful difference between boys & girls. Being congruent with those of other studies, our results represented the point that attachment styles meaningfully predicted assertiveness variance.

**Keywords:** insecure attachment style; secure attachment style; assertiveness ;students